



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۴/۱۸



ولی ناروغ

پوتین ابر مرد قرن بیستویک

قسمت اول

در انتهای جاده پر از فراز و نشیب سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان کنونی ولادیمیر پوتین متفکر ترین شخصیت سیاسی قرن ۲۱ درج تاریخ بشریت خواهد شد.

وی تلاش میورزد تا جهان را بشکل نوین آن دیزاین و بشریت محکوم را از حاکمیت استعمار و استثمار نجات دهد. مارکسیزم لیننیزم و ماویزم در تحقق ارمان نجات شرق از حاکمیت استعماری غرب یا کپیالیزم در قرن بیست باز ماند و نتوانست به بیداری آسیا، نابودی استعمار، استثمار فرد از فرد و تبعض نژادی روی کره زمین نایل آید.

و اما علایم روند نوین و کنونی و اندیشه های پوتین نشان دهنده آنست که پوتین در ایجاد یک جهان دو قطبی یا شرق آزاد از چنگال کپیالیزم انگلو - امریکن و متحدین غربی آن موفقانه بدر خواهد آمد.

یکی از فکتور های خردمندانه تصحیح نواقص قرن گذشته عصر ماویزم - لیننیزم از طریق کنار آمدن چین و روسیه از رقابت های ایدیالوژیک سیاسی علیه همدیگر را به یک اتحاد ستراتیژیک دایمی شرق تبدیل نمود.

علایم آشکار این اتحاد ستراتیژیک کنار آمدن چین و روسیه از یک جهت و رهبری کنار هم آوردن یک حلقه متحد سیاسی اقتصادی و نظامی شرق تحت عنوان برکس (BRICS) در عرصه جهانی است. این دو طرح کاملاً مشابه اتحاد انگلو امریکا و اتحادیه اروپایی، ناتو، بانک جهانی و امثال دیگر آن به شیوه مدرن تر از مدل های کهنه غرب است.

زوال سازمانهای بین المللی چون سازمان ملل، حقوق بشر ژینوا، سوءاستفاده از قوای مدافع اروپا یا ناتو و دیگران.

روند نهایی این تشکل از چین - شرق دور تا هند، روسیه و کشور های اتحاد جماهیرشوری سابق تا آسیای مرکزی و میانه، افریقا و توصل انتخابی اروپای شرقی تا امریکای لاتین را در بر دارد.

پوتین شخصیت حلیم، متفکر و عمل گراست. پوتین مدتهاست که جهان غرب را از عمق آن به بررسی قرار داده است و بعد از آزاد سازی سالهای ۱۹۹۰ کشور ها اتحاد شوروی به این نتیجه رسیده است که کنار آمدن با غرب نه تنها خواب و خیال محض است، بلکه غرب در ستراتیژی جهانی خویش خواب حاکمیت بر جهان را چون ادعای سلطان بشریت از آن خود میداند.

روسیه و چین تحت حاکمیت انقلابات ماویزم - لیننیزم نتوانستند در برابر جنگ سرد علیه غرب پیروز شوند و بلاخره شرق از ادامه جنگ سرد علیه غرب به سطوح آمده و از روند سیاسی منزوی شده کمونیزم دست بردار گردیده و بعد سالهای ۱۹۹۰ به روند رقابت بازار آزاد و سستم به اصطلاح دموکراسی مدل غرب متصل گردیدند - که این روند نیز بلاخره منجر به همان تصادمات اقتصادی، سیاسی، نظامی و جنگ سرد علیه چین و روسیه گردید.

حاکمیت سی ساله پوتین برای روسیه نه تنها نجات روسیه از حاکمیت غرب، بلکه روسیه را به یک کشور ابر قدرت جهان و مقاومت در برابر استعمار غرب مبدل ساخت.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

عکس العمل های سی ساله حاکمیت پوتین در برابر دسایس شنیع غرب علیه انکشافات اقتصادی چین - روسیه و سرکوب کشورهای جهان سوم چنان بنظر میرسد که او با اطمینان کامل به پیروزی نهایی تغییر نظام سیاسی جهان با موفقیت های بی نظیری نایل خواهد شد.

انتخاب مکرر و سی ساله ولادیمیر پوتین بحیث رییس جمهور روسیه، به آرای اکثریت خلق روسیه گواه بر آنست که پوتین روسها را طی بیست و پنج سال گذشته به مراحل نهایی بلوغ سیاسی ملی و شناخت کامل از جهان کنونی آن رهبری کرده است.

خلق روسیه طی چند دهه اخیر انواع دسایس غرب علیه کشور محبوب شانرا با روح و روان و جان شان آزمایش کردند - از بحران اقتصادی و انارشی زمان یلخن تا تحریکات جورجیا - چین و اوکراین از حملات انترنتی تا تبلیغات غرب علیه روسیه، تعذیرات اقتصادی تا تعذیرات سفر بر پوتین تحت عنوان مجرم جنگی، از تعذیرات تا تامین کودتا های نارنجی و میدان و تحریک زنان همجنس باز تا انفجار بم گذاری ها در محلات عامه و تیاتر ها و این و آن که شامل هزاران نسخه متنوع دیگر دسایس بوده میتوان نام برد و به این نتیجه رسید که روسیه تحت رهبری پوتین نه تنها نوب نمیشود، بلکه با گذشت هر سال بیشتر قامت بلند میکند.

ادامه دارد